



دیده‌ای زیباتر از آفرینش

زیبایی آفرینش



زیست‌گوشی که همی نشود آوای تورا

دیده‌ای زیست‌نیمد رخ‌زریای تورا

امام خمینی «ره»



آفرینش همه تنبیه خداوند دل است



۱ بادامی که تفاوت نکند لیل و نهار
 آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
 این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود
 کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند
 ۵ خبرت هست که مرغان سحر می گویند:
 تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟
 که تواند که دعد میوه آلوان از چوب؟
 عقل، حیران شود از خوشه زین عنب
 پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز
 ۱۰ تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او
 نعمت بار خدایا، ز عدد بیرون است
 سعیا، راست زوان گوی سعادت بردند

خوش بود دامن صحرا و تماشای بحار
 دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
 هر که فکر نکند، نقش بود بر دیوار
 نه همه مستعی، فهم کند این اسرار
 آخرای نخته، سراز خواب بحالت، بردار؟
 حیف باشد که تو در خوابی و زرگس، بیدار
 یا که داند که بر آرد گل صد برگ از حسار؟
 فهم، عاجز شود از نخته یاقوت انار
 ماه و خورشید مُخَر کند و لیل و نهار
 همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار
 شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار
 راستی کن که به منزل نرسد، کج رفتار

کلیات سعدی، بخش قصاید



خود ارزیابی

- ۱ چند نمونه از جلوه‌های زیبایی آفرینش و نعمت‌های خدا را در درس، بیابید و بیان کنید.
- ۲ مفهوم آیه ۴۴ سوره «اسراء» با کدام بیت درس، تناسب دارد؟
- ۳ پیام بیت پایانی شعر را توضیح دهید.
- ۴

نکته ادبی

پیش از این با تفاوت «زبان» و «ادبیات» آشنا شدیم و دانستیم که هرگاه بخواهیم منظور خود را زیباتر و دلنشین‌تر بیان کنیم، از ادبیات بهره می‌گیریم. به همین دلیل است که ادبیات را زبان هنری یا زبان برتر می‌نامند. شعر، جلوه‌ای از زبان ادبی است. در درسی که خواندیم، شاعر از برخی آرایه‌ها برای ایجاد زیبایی و جذابیت در زبان هنری، استفاده کرده است. مانند:

تشبیه:

عقل، حیران شود از خوشه زرین عنب فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار

جان بخشی و مراعات نظیر:

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند نه همه مستمعی، فهم کند این آسرار

گفت و گو

- ۱ درباره پیام این درس با هم گفت‌وگو کنید.
- ۲ جلوه‌های زیبایی منطقه و محل زندگی خود را ذکر کنید و درباره عبرت‌آموزی آنها بحث کنید.

گاهی تغییر در یک واج، موجب تغییر معنای یک واژه می‌شود. به عنوان نمونه، واژه «انعام» به معنی بخشش و واژه «انعام» به معنی چارپایان است.

۱ مترادف واژه‌های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.

شگفت، آگاهی، ستایش خداوند، شنونده، نادانی، انگور، رام، روز، مقصد، خوشبختی

.....

.....

۲ در بیت‌های زیر از کدام عناصر زیبایی سخن، استفاده شده است؟

– خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟

– تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

۳ بیت دوم درس را در یک بند، توضیح دهید.

.....

.....

.....

.....

.....

سفر

حکایت

روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد؛ پس به همراهان گفت: «می دانید که این آسیاب چه می گوید؟، می گوید: معرفت این است که من در آنم. گردِ خویش می گردم و پیوسته در خود سفر می کنم، تا هر چه نیاید، از خود دور گردانم!».

اسرار التوحید، محمد بن منور



عجایبِ صنْعِ حق تعالی

۲

درس دوم

این درس به توصیف زیبایی‌های طبیعت می‌پردازد. توصیف یعنی وصف نمودن و جزئیات و ویژگی‌های یک پدیده را بازگو کردن. در وصف پدیده‌ها، توجه به عنصر تخیل مانند تشبیه و تشخیص و... اهمیت بسزایی دارد. در خواندن این گونه متن‌ها، از لحن توصیفی و آهنگی آرام و لطیف، بهره می‌گیریم. همچنین دقت در مفهوم جمله‌ها در نوع بیان آهنگ کلام، مؤثر است. لحن توصیفی با هدف شرح و توصیف خصوصیات و ویژگی‌های پدیده‌ها به کار گرفته می‌شود.

بدان که هرچه در وجود است، همه صنْعِ خدای تعالی است. آسمان و آفتاب و ماه و ستارگان و زمین و آنچه بر وی است، چون کوه‌ها و بیابان‌ها و نهرها و آنچه در کوه‌هاست، از جواهر و معادن و آنچه بر روی زمین است، از انواع نباتات و آنچه در بر و بحر است، از انواع حیوانات و آنچه میان آسمان و زمین است، چون میغ و باران و برف و تگرگ و رعد و برق و قوس و قزح و علاماتی که در هوا پدید آید، همه عجایبِ صنْعِ حق تعالی است و این همه آیات حق تعالی است که تو را فرموده است تا در آن نظر کنی. پس اندر این آیات، تفکر کن.

در زمین، نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانب وی فراخ، گسترانیده و از زیر سنگ‌های سخت، آب‌های لطیف روان کرده، تا بر روی زمین می‌رود و به تدریج بیرون می‌آید؛ در وقت بهار بنگر و تفکر کن که زمین چگونه زنده شود و چون دیبای هفت‌رنگ گردد، بلکه هزار رنگ شود.



نگاه کن مرغان هوا و حشرات زمین را هر یکی بر شکلی دیگر و بر صورتی دیگر و همه از یکدگر نیکوتر؛ هر یکی را آنچه به کار باید، داد و هر یکی را بیا موخته که غذای خویش چون به دست آورد و بچه را چون نکه دارد تا بزرگ شود و آشیان خویش چون کند. در مورچه نگاه کن که به وقت خویش غذا چون جمع کند.

اگر در خانه ای شوی که به نقش و کج، کنده کرده باشند، روزگاری دراز، صفت آن کوپنی و تعجب کنی و همیشه در خانه خدایی، هیچ تعجب نکنی! و این عالم، خانه خداست و فرش وی، زمین است و لکن سقفی بی ستون و این، عجب تر است و چراغ وی ماه است و شعله وی آفتاب و قدیل های وی ستارگان و تو از عجایب این، غافل؛ که خانه بس بزرگ است و چشم تو بس مختصر و در وی نمی گنجد.

و مثل تو چون مورچه ای است که در قصر ملکی سوراخی دارد؛ جز غذای خویش و یاران خویش چیزی نمی بیند؛ و از جمال صورت قصر و بسیاری غلامان و سربر نلک وی، هیچ خبر ندارد.

اگر خواهی به درجه مورچه قناعت کنی، می باش و اگر نه، راحت داده اند تا در بستان معرفت حق تعالی، تماشا کنی و بیرون آیی؛ چشم باز کن تا عجایب بینی که مدهوش و متحیر شوی.

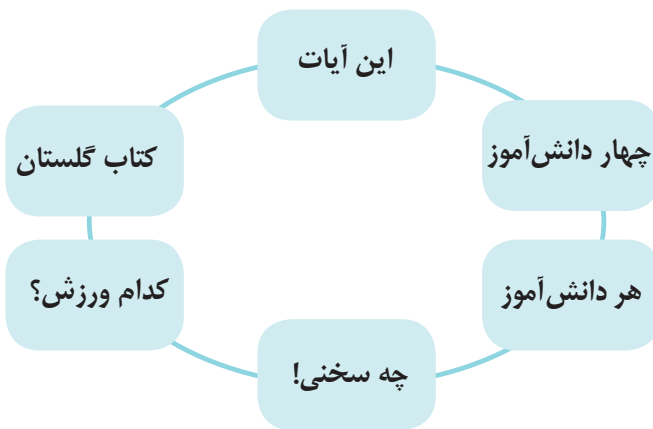
خود ارزیابی

- ۱ کدام بخش درس، به روز رستاخیز، اشاره دارد؟
- ۲ عبارت «هر یکی را آنچه به کار باید، داد» را توضیح دهید.
- ۳ بند پایانی درس «...و مثل تو چون مورچه‌ای...» چه ارتباطی با درک شگفتی‌های آفرینش دارد؟
- ۴

نکته زبانی

◀ وابسته‌های گروه اسمی ۱

در پایه هشتم خواندیم که اسم وابسته‌هایی دارد. این نوع از وابسته‌ها اگر پیش از اسم آورده شوند و مفاهیمی چون **اشاره**، **شمارش**، **پرسش**، **تعجب** و... را بیان کنند به آنها وابسته‌های «پیشین» می‌گویند و اگر پس از اسم به کار روند و ویژگی‌های اسم را بازگو کنند، آنها را وابسته‌های «پسین» می‌نامند. مانند:



مانند:

وابسته‌های پسین	هسته	وابسته‌های پیشین
باغ	دیوار	-
خوب	مقاله	-
موفق	گروه	همان
کتاب	درس	هر

گفت‌وگو

- ۱ دربارهٔ زیبایی‌های آفرینش که در کتاب‌های دیگر به ویژه قرآن کریم خوانده یا شنیده‌اید، گفت‌وگو کنید.
- ۲ دربارهٔ جملهٔ «همیشه در خانهٔ خدایی، هیچ تعجب نکنی!» گفت‌وگو کنید.

نوشتن

- ۱ مترادف واژه‌های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.

سرگشته، رنگین کمان، آفرینش، تخت، ابر، فرش، شناخت

- ۲ در عبارت‌های زیر، هسته و نوع وابسته‌ها را مشخص کنید.

الف) سنگ سخت و آب لطیف

ب) این همه آیات

ج) چه خلقت شگفت‌انگیزی!

د) کدام مستمع آگاه است؟

- ۳ پیام متن زیر را بنویسید.

«اگر خواهی به درجهٔ مورچه قناعت کنی، می‌باش؛ وگرنه راحت دادند تا در بُستان معرفت حق تعالی تماشا کنی و بیرون آیی، چشم باز کن که عجایب بینی که مدهوش و متحیر شوی.»

۱

در پیله تا به کی، بر خودبستن تنی؟
 پرسید کرم را، مرغ از فروتنی
 تا چند منزوی در کنج خلوتی؟
 درسته تا به کی، در مجلس تنی؟
 در فکر ز ستم - پانچ بداد کرم -
 خلوت نشسته ام زین روی، منحنی
 همسال های من، پروانگان شدند
 جستند از این قص، گشتند دیدنی
 در جس و خلوتم، تا وار هم به مرگ
 یاپز بر آورم بھر پریدنی
 اینک تو را چه شد، کای مرغ خاکگی
 کوشش نمی کنی، پزی نمی زنی؟

۵

علی اسفندیاری (نیما پوشش)

